سیری در کتاب

۲۳ سال

نویسنده...؟!

www.atharebartar.com

فهرست مطالب

۱ ـ مقدمه ـــ ۵

۲ ـ خلاصه کتاب ۲۳ سال ـــ ۷

۳ ـ اروپا از آن روزی که مذهب خویش را رها کرد جلو رفت و ما
از آن روزی که مذهب خویش را رها کردیم عقب رفتیم ـــــــــــــــــــــــــــ ۲۹

۴ ـ جهان و محمد (ص) ـــ ۳۷

۵ ـ معجزه ـــ ۶۲

۶ ـ احکام اسلام ـــ ۹۵

۷ ـ انگیزه جنگهای زمان پیامبر ـــ ۱۰۸

۸ ـ مقام زن در اسلام ـــ ۱۲۶

۹ ـ مسئله خلافت و جانشین پیامبر (ص) ـــ ۱۶۱

۱۰ ـ مشخصات اجتماعی اسلامی ـــ ۱۷۹

۱۱ ـ مراجع ـــ ۱۸۴

www.atharebartar.com

"مقـدمـه"

رسد آدمی بجایی که بجز خدا نبیند

صحبت از انسانهایی است که به خاطر خودپرستی و غروربیجا همه‌چیز را به بازی گرفته‌اند، آنهایی که انسانیت به معنای واقعی را فراموش کرده‌اند و چندان در تفکرات ایده‌آلیستی خود عرق شده‌اند که گویی نبض جهان را در دست دارند! اما چه خیالهای خام و باطل.

صحبت از کالبد هایی است که بشکل انسان در آمده اما فاقد انسانیت و روح خداست و تنها شامل قالبی حیوانی و مادی است. اینچنین قالبها نه تنها نخواهند توانست در مسیر قطار تکامل قرار گیرند بلکه باعث کندی و حتی توقف لکوموتیو یک جامعه در مسیر اصلی تکامل خواهند بود.

یک انسان کامل، آن انسانی است که مسیر حق و حقیقت را بیابد و آنگاه آنرا دنبال نماید تا به بلندترین نقطه اوج دست یابد•مسئله شدن‌انسان است، حال هر دیانتی که می‌خواهی داشته باش. ولی اصل مهم اینست که با کمک کدامیک از چراغهای راهنما می‌توانی راه را از چاه بازشناسی تابالاخره به سر منـزل مراد برسی. ولی باید بدانی که راهی طولانی و دراز با کوره راههای بسیار در پیش است و وسائلی که همراه داری باید بقدری غنی باشد تا بتواند تو را از کوتاهترین و مناسب‌ترین راه به منزلگاه والا برساند.

حال مکتب اسلام که می‌تواند یک چنین راهگشایی برای ما باشد تابوسیله آن بتوانیم انسان شدن به معنای واقعی آنرا کامل کنیم چه نیتی در کار است که می‌خواهد شخصیت محمد (ص) را وارونه جلوه دهد! وآنهم شخصیتی انسانی که بشریت در مقابل آرمان الهیش سر تعظیم فرود می‌آورد.

www.atharebartar.com

قبل از بررسی پیرامون مطالب کتاب ۲۳ سال لازم دیدم که ابتداخلاصه‌ای از کتاب مربوطه را بیاورم تا خوانندگان عزیز خوب در حول‌و حوش آن قرار گیرند و آنگاه به تفحص و بررسی پئرامون آن رجوع کنیم.

البته در خلاصه کتاب مربوطه تمام مطالب درج نگردیده ولی آن مطالبی هم که در خلاصه درج نشده در متن مطالب این کتاب مورد بررسی قرارگرفته. گر چه این تحقیق را شخصا" تا آنجائیکه در توان داشتم به اتمام رساندم ولیکن منابع و مواخذ فراوان دیگری نیز موجود است که میشود به وجه بهتری از آنها هم استفاده نمود اما متاسفانه جای بحث آنها در این جزوه کوتاه نبود.

با تشکر فراوان

و به امید جامعه ای توحیدی

(مهدی رکنی)

* * *

www.atharebartar.com

فصل اول

خلاصه کتاب ۲۳ سال

نظر نویسنده کتاب ۲۳ سال:

پیدایش، رشد و نمو، انتشار و تسلط اسلام یکی از حوادث بی‌نظیر تاریخ است. پی بردن به علل و اسباب حوادث تاریخی غالبا" دقیق ومستلزم کاوش و تفحص دامنه دار و همه جانبه است تا بتوان پنهان و آشکار آنها را باز یافت و ارتباط میان علت یا علتها و معلول را روشن ساخت.

انجام چنین بحثی در بازهٔ تاریخ اسلام بواسطهٔ وجود منابع و مستندات فراوان چندان بر محققان روشن بین استوار نیست بشرط آنکه از ملکه اجتهاد و استنباط بهرهٔ کافی داشته و در عین حال از غرض و تعصب عادی باشند.

در اینگونه تحقیقات حتما" لوح ضمیر باید ساده بوده و عقاید تعبدی و تلقینات پدری آنرا نکرده باشد.

دراین مختصر چنین کار تحقیقی مهم و ارزشمندی صورت نگرفته وحداکثر تلاش است برای ترسیم دور نمائی از مجموع رویدادهای ۲۳ سال (هر چند مجمل و مبهم) که در قضایای زیر خلاصه میشود:

www.atharebartar.com

۱ــ کودکی یتیم از سن شش سالگی به خویشتن رها شده است، محروم از نوازش پدر و مهر مادر در خانه یکی از اقوام زندگی می‌کند، از تنعم اطفال هم سن و سال خود محروم است و به چراندن اشتران در صحرای خشک مکه روزگار می‌گذراند. روح او حساس و ذهنش روشن است. فطرتی مایل به تخیل دارد، پنج شش سال تک و تنها در صحرا ماندن، قوهٔ احلام و رویا را در وی پرورش می‌دهد. محرومیت و احساس برتری دیگران در او عقده ایجاد می‌کند. این عقده مسیری دارد. نخست توجه همسالان و خویشانست. سپس به خانوادهٔ متمکن آنها میرود و از آنجا به مصدر تمکن آنها میرسد. مصدر تمکن تولیت خانهٔ کعبه است خانهٔ مرکزیت‌های مشهور عرب است.

شاید خود نیز باین بتها توسل جسته و اثری ندیده باشد. پس خشمی در اعماق ضمیر وی نسبت به آنها پدید آمده است.

او در این طرز فکر تنها نیست هم اهل کتاب و هم مردمان با فهم و ادراکی در مکه هستند که پرستش بتان بیجان را سخافت میدانند. وجود اینگونه اشخاص بمنزله همدستانی است که به مکنون ضمیر او جواب مساعد میدهند. مسافرت‌هایی به شام در سنین مختلف بر روی او دنیایی می‌گشاید که زندگی و عقاید مردم و قوم خود او در برابر آن حقیر و مسکین میشود. روی‌آوردن به معابد اهل کتاب و گفتگوی با متصدیان آن معابد گوش دادن به سرنوشت انبیاء و آگاهی بر عقاید آنها او را در عقیدهٔ خویش استوار می‌سازد.

۲ ــ اندیشیدن به خدا و آنچه از یهودان و ترسایان شنیده است نقطه مرکزی دایرهٔ حرکت ذهن او میشود. پس از ازدواج با زن ثروتمندی که او را از تلاش معاش بی‌نیاز می‌کند و معاشرت مستمر با ورقه بن نوفل این فکررا در وی راسخ و به شکل (OBSESSION) در می‌آورد، جان وی از فکر خداوند غیور و جبار لبریز میشود.

خدای او از اینکه مردم، دیگری را پرستش می‌کنند خشمگین میشود. حوادثی که بر قوم عاد و ثمود روی داده از همین بابت بوده است واز کجا

www.atharebartar.com

چنین فرجام شومی برای قـوم او نزدیک نباشد، پس باید به هدایت آنان بشتابد.

کم کم این اندیشه مستمر و سمج با رویاهای جان نگران او مخلوط شده صورت وحی و الهـام بخود میگیرد. خدیجه و پسر عمویش (ورقه‌بن نوفل) آنرا رویای صادقه و نشانهٔ الهام خداوندی میگویند. او چرا مانند هود و صالح نباشد، چرا پیغمبران فقط از بنی‌اسرائیل برخیزند و از میان پسرعموهای آنان پیغمبری طلوع نکند.

این سیر روحی بلکه بحران روحی و مسخر اندیشه‌ای شدن در سن‌چهل سالگی او را به دعوت قوم خود میکشاند.

۳ ــ پرستش موجودهایی که خود مخلوق و مصنوع دست آدمیست کاری سخیف و بطلان آن بر هر خردمندی آشکار است پس باید مردم را از این غفلت بیرون آورد و طبعا" در این صورت مردم به وی خواهند گروید و مخصوصا" که عدهٔ معدود و انگشت شماری هم آنرا تصدیق و تایید کرده‌اند پس جای درنگ نیست و آیهٔ " انـذر عشیرتک الاقربین" باید به مرحلهٔ اجرادرآید. اما از همان روز نخست با خندهٔ استهزاء روبرو میشود زیرا روح ساده ومومن او متوجه این قضیهٔ مهم و اساسی نشده بود که خوبی اندیشه‌ای و درستی مطلبی مستلزم اذعان مردم تابع عادات خود هستند و از این گذشته‌دعوت او مستلزم فرو ریختن دستگاهی است که مصدر شان و مکنت سران قریش است. پس مردانه به حمایت آن بر خواهند خاست. از همین روی نخستین کسی که در اجتماع قریش بر روی او چنگ زد عموی خود او بود که فریاد زد: "تبالک یا محمد" آیا برای این مهملات مرا بدین اجتماع خوانده‌ای؟

۴ ــ ابو جهل روزی به شریق بن اخنس گفت میان ما و بنی‌عبدالمطلب پیوسته رقابت و منافسه‌ای بود. حال که ما از هر جهت به آنها رسیده‌ایم‌از خود پیغمبر بیرون داده‌اند که بر ما برتری می‌یابند. این سخن بیت منسوب به یزید را در پنجاه سال بعد بخاطر میآورد:

"لعبت هاشم للملک فلاخبز جاء و لاوحی نزل"

www.atharebartar.com

مذاکره ابوجهل و شریق طرز فکر مخالفان را خوب نشان میدهد. محمد فقیر و یتیم که در سایهٔ مکنت زن خود زندگی میکرد در مقابل سران متمکن قریش عنوان و شخصیتی نداشت و بنابراین اگر دعوت او میگرفت شان و عنوان آنان را هم اگر بکلی محو نمی‌کرد لااقل نقطهٔ مقابل آنها قرار میگرفت و بنی عبدالمطلب بر سایر تیره‌های قریش مقدم میشدند ولی از قضا بنی‌عبدالمطلب از وی پیروی نکردند و حتی ابوطالب و سایر اعمام نخواستند میان خود و قریش جدائی و اختلاف اندازند.

شاید اگر از آغاز امر محمد این صعوبات و این جمود مردم و این عناد و لجاجی را که در طی سیزده سال دعوت خود در مکه با آن روبرو گردید پیش‌بینی میکرده بدان سهولت و رایگان قدم به میدان نمیگذاشت و یا اگر هم میگذاشت چون ورقه بن نوفل، امیه بن ابی الصلت و قس بن ساعده‌به گفتن حرف خود اکتفا کرده راه خود را پیش میگرفت. اما قراین و امارات و حوادث بعد از بعثت نشان میدهد که محمد از آن طبایعی است که در فکر خود راسخ و پایدارند و برای رسیدن به مقصد از موانع و دشواریها نمی‌هراسند. محمد مسخر عقیده‌ای شده و خویشتن را مامور هدایت مردم میداند و قریب سی‌سال‌این فکر و عقیده در او راسخ شده است. علاوه بر نیروی ایمان از موهبت دیگری نیز برخوردار است و آن فصاحت بی‌نظیریست که از شخصی امی و درس نخوانده اعجاب انگیز است با این زبان گرم و فصیح مردم را به فضیلت و درستی و انسانیت دعوت می کند و از اخبار گذشتگان و انبیاء سلف سخن‌های عبرت‌انگیز می‌آورد.

۵ – دعوت اسلامی تحقیقا عکس‌العمل اوضاع اجتماعی مکه است. روز بروز بر عدهٔ کسانی که از بت‌پرستی بیزار شده بودند افزوده میشد، درمقابل افراد متمکن و زورمند، طبقه‌ایی بی‌بضاعت و ضعیف قرار دارند. پس حمایت از این طبقه موجب پیشرفت و رونق اسلام میشود. تمام نهضت‌های تلخ را طبقه محروم و مظلوم باعث شده‌اند. ولی زورمندان بیکار ننشستند و ازآزار و حق شکنجهٔ مسلمانان فقر و بی پناه فرو گذار نمیکردند. آنها به خود

www.atharebartar.com